



## چگونه یک رهبر خود ساخته و موفق باشیم ؟

رهبران ساخته می شوند، به دنیا می آیند

من سال ها به مطالعه رهبری پرداخته ام. این کار را از دوران نوجوانی شروع کردم و نخستین رهبری که به دقت به مطالعه او پرداختم، هانیبال کارتاچ بود. کتاب های متعددی را درباره جنگ های پانیک، توانایی فیل های هانیبال برای گذر از کوههای آلپ و جنگ او با رومیها خواندم. او توانایی این را داشت که نیرویی کوچک را به یک نیروی جنگجوی قدرتمند تبدیل کند، آنها را هزاران مایل راه ببرد و بزرگترین امپراتوری آن عصر را شکست دهد.

پس از او به مطالعه اسکپیو پرداختم. ژنرالی که هانیبال را شکست داد. زندگی ناپلئون و ولینگتون را هم با دقت مطالعه کردم تا تفاوت این دو مرد را بفهمم. همچنین زندگی واشینگتن، لینکلن و ژنرال های معروف جورج پاتن، دو آیت آیزنهاور و عمر برادلی را هم مطالعه کردم که از بزرگترین رهبران زمان خود به شمار می آمدند.

آنچه دریافتم این بود که رهبران ساخته می شوند، به دنیا نمی آیند. هیچ کس ذاتا رهبر به دنیا نمی آید. حتی اسکندر هم از هشت سالگی شروع به یادگیری رهبری کرد.





## زندگی بزرگان را مطالعه کنید

مطالعه زندگی رهبران بزرگ گذشته و حال یکی از سریع ترین و مطمئن ترین راه ها برای بهبود قابلیت های رهبری خودتان است. هر چه درباره عوامل پرورش دهنده رهبران موثر بیشتر بخوانید، احتمال بیشتری وجود دارد که همان ارزشها و رفتارها را در خود نهادینه کنید. آن وقت، نمود بیرونی این ارزش ها و رفتارها را در کارها و نتایج خود می بینید.

آبراهام لینکلن می نویسد: «این که بعضی افراد موفق می شوند، شاهی بر این مدعا است که دیگران هم می توانند». برتراند راسل فیلسوف با این حرف موافقت می کند و می نویسد: «بهترین شاهد بر اینکه می توان کاری را انجام داد این حقیقت است که دیگران قبلا آن را انجام داده اند».

به مردان و زنانی فکر کنید که آنها را به عنوان رهبرانی بزرگ تحسین می کنید و سپس به این فکر کنید که چطور می توانید از رفتارشان تقلید کنید. به این فکر کنید که چطور می توانید بیشتر شبیه آنها شوید. آن وقت در کمال تعجب و در یک دوره معقول زمانی، قابلیت های آنها را جذب خواهید کرد و خودتان هم یک رهبر میشوید.





## داستان اسکندر

داستان اسکندر کبیر برای افرادی که آرزو دارند به جایگاه یک رهبر بزرگ برسند، بسیار آموزنده است. اسکندر در پانزده سالگی دریافت سرنوشتش این است که بر دنیا تسلط یابد.

چشم انداز او متحد کردن همه بشریت در قالب یک رابطه برادری بود. او به کمک معلمش ارسطو سالها به مطالعه و آماده سازی خویش پرداخت و هنرهای رزمی را از پدرش و بهترین ژنرال های او آموخت. او خود را پادشاه بزرگی میدید و اعتقادی راسخ به توانایی خود برای دستیابی به همه اهدافش داشت.

اسکندر هم در کارهای مدیریتی و هم اجرایی فوق العاده بود. او عدالت فوق العاده ای در واگذاری کارها و گماردن مدیران مناسب در جایگاههای مناسب در زمان مناسب داشت. او توانایی برنامه ریزی، سازماندهی، تفکر و اجرای بی نظیری داشت.

در جنگ آرבלا، فرماندهی ۵۰/۰۰۰ سرباز را در نبردی تن به تن مقابل یک میلیون نیروی نظامی پارسیان بر عهده داشت و آنها را شکست داد. او هرگز احتمال شکست را به ذهنش راه نداد. او به خودش، مردانش و توانایی اش برای غلبه بر مشکلات، ایمان کامل داشت و به بزرگ بودن موانع پیش رو اهمیتی نمی داد.

اسکندر مانند همه رهبران بزرگ، توانایی سازمان دهی مردانش و تشویق آنها به فراتر رفتن از هر آنچه قبلا انجام داده بودند را داشت. او توانایی تمرکز بر نقاط قوت خود و حوزه های کلیدی لازم برای پیروزی را داشت. زندگی و سرگذشت او نمونه ای از ترکیب همه ویژگی های مهم و کلیدی است.



### خود را در جایگاه یک رهبر ببینید

می توان افرادی را یافت که کوچکترین نظری درباره آنچه در اطرافشان می گذرد، ندارند و کمترین اهمیتی به آن نمی دهند، در حالی که در آن سر طیف یک یا دو درصد افراد جامعه قرار دارند که در واقع مانند جرقه ای در موتور تغییرات هستند.

هر یک از ما در جایی از این طیف قرار داریم و بسته به گفتار و کردار روزانه مان در آن بالا و پایین می رویم. اگر می خواهید رهبر باشید یا رهبر بهتری باشید، به یاد داشته باشید که این امر فقط به خودتان بستگی دارد. این قدرت در دستان شماست یا مهم تر از آن، در ذهنتان است. شما همان چیزی هستید که فکر می کنید. تصویر ذهنی ای که از خود دارید، تعیین کننده عملکردتان است. با تغییر خودانگاره تان یعنی تفکری که درباره خود به عنوان یک رهبر دارید، می توانید به رهبر موثرتری تبدیل شوید.



### قانون علت و معلول

همه چیز با قانون علت و معلول آغاز می شود. این قانون اصلی جهان است؛ همه قوانین دیگر رشته ریاضی یا هر علم دیگری زیر مجموعه این قانون است. بر اساس آن برای هر معلولی علتی وجود دارد. هیچ چیز بی دلیل اتفاق نمی افتد.

مفهوم این قانون بسیار قدرتمند است. معنی اش این است که موفقیت هر شخص علت یا عللی دارد. پس اگر می خواهید مانند شخص دیگری موفق باشید، اگر می خواهید از افراد موفق و اعمال و موفقیت های آنها تقلید کنید، ببینید چه کرده اند و همان کار را انجام دهید. همان کاری را انجام دهید که افراد موفق انجام می دهند، بارها و بارها انجامش دهید تا به تدریج به همان نتایج برسید.



## قانون باور

و یک قانون مرتبط دیگر قانون باور است. بر اساس این قانون اگر به چیزی باوری قوی داشته باشید، این باور به واقعیت زندگی تان تبدیل می شود؛ به عبارت دیگر، شما همان چیزی هستید که باور دارید. ویلیام جیمز فیلسوف می گوید «باورها واقعیت را شکل می دهند».

منبع : برایان تریسی